

درجات تقریب فرهنگی در ترجمه فرانسوی لازار از داستان گناه آل احمد^۱

معصومه احمدی^۲ و صدیقه شرکت مقدم^۳

چکیده

زبان محاوره‌ای جلال آل احمد، عناصر فرهنگی و فولکلوریک زیادی را به مخاطب عرضه می‌کند. از آن جمله می‌توان به مثل‌واره‌ها، واژگان کوچه‌بازاری و جمله‌های کنایه‌ای، نام‌آواها، شکسته‌نویسی و غیره اشاره کرد. برای ترجمه این موارد خاص فرهنگی، می‌توان از آراء نیومارک (۱۹۸۸) کمک گرفت؛ وی با تبیین جایگاه عناصر فرهنگی زبان و ارائه راهکارهایی، نشان می‌دهد چنانچه بین منبع و زبان مقصد و خوانندگان آن تداخل فرهنگی وجود داشته باشد، ترجمه بهتر امکان‌پذیر است، لذا برای یافتن قرابت‌های فرهنگی، شناسایی و دسته‌بندی عناصر بوم‌شناختی، مادی، عادات و نهادهای فرهنگی جامعه‌های مقصد و مبدأ ضروری است. در همین راستا ایکسلا نیز انواعی از راهکارهای عملی برای ترجمه چنین متونی را دسته‌بندی و تبیین می‌کند. در این تحقیق ترجمه فرانسوی ژیلبر لازار از داستان گناه^۴، و روش او در انتقال اصطلاحات و عناصر فرهنگی خاص از فارسی به فرانسه را بر اساس الگوهای دسته‌بندی نیومارک و ایکسلا بررسی کرده‌ایم و نشان داده‌ایم که ترجمه لازار بر پایه معادل‌های «کارکردی-فرهنگی» است که درجات متفاوتی از تقریب فرهنگی را در خود دارند. دسته‌بندی این معادل‌ها بر اساس الگوهای فوق، اطلاعات ترجمه‌شناختی مفیدی را در اختیار مترجمان و محققان قرار می‌دهد.

واژه‌های راهنما: آل احمد، ایکسلا، تقریب فرهنگی، نیومارک

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۰/۰۸/۱۱ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۷ به تصویب رسید.

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه فرانسه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛ پست الکترونیک:

massumahm@atu.ac.ir

۳. استادیار گروه فرانسه و عضو مرکز تحقیقات میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛

پست الکترونیک: moghadam@atu.ac.ir

۱. مقدمه

جلال آل احمد در آثار خود از زبان شفاهی و اصطلاحات و واژه‌های عامیانه بسیار بهره گرفته‌است، که دربردارنده عناصر فرهنگی عمیقی‌اند و ترجمه آن‌ها روش‌های ترجمه فرهنگی را می‌طلبد. یکی از این روش‌ها، انتقال از طریق «معادل‌های کارکردی-فرهنگی» منطبق و سازگار با «زبان - فرهنگ» جامعه مقصد است. این معادل‌ها مشابه همان کارکردی که واژگان فرهنگی جامعه مبدأ داشته‌اند را در جامعه مقصد ایفا می‌کنند؛ یعنی مترجم «زبان-فرهنگ» متن مبدأ را با «زبان-فرهنگ» مقصد از نظر کارکرد و نقش اجتماعی هم‌تراز می‌کند. در روش پیتر نیومارک چنین نقش و کارکردی از زبان، برای ترجمه عناصر فرهنگی، برجسته و مهم دانسته شده‌است. البته لازم به ذکر است که تبیین آنچه دقیقاً فرهنگی است و آنچه نیست، چندان آسان نمی‌نماید. به همین خاطر در طبقه‌بندی نیومارک، (ر.ک. بخش چهارچوب پژوهش) سعی می‌شود عناصر فرهنگی زبان به طور نظام‌مند دسته‌بندی شوند، سپس راهکارهای ترجمه آن موارد مشخص می‌گردند. همچنین هم‌راستا با آراء نیومارک، ایکسلا^۱، راهکارهایی برای ترجمه ارائه می‌دهد که در این جا پس از معرفی روش ایشان (ر.ک. بخش چهارچوب پژوهش)، به بررسی ترجمه لازار^۲ از داستان *گناه آل احمد* می‌پردازیم و مواردی از انتقال عناصر فرهنگی خاص فارسی به فرانسه را، با استناد به آراء نیومارک^۳ و دسته‌بندی ایکسلا، ارائه می‌دهیم.

1. Aixela, J. F. (1996). *Culture-specific items in translation*. In R. Alvarez & M. Carmen-Africa Vidal (Eds.), *Translation, power, subversion* (pp. 52-78). Clevedon: Multilingual Matters.

2. Lazard

3. Newmark

۱-۱. اهمیت و هدف

از آن جا که ترجمه از مؤثرترین راه‌های معرفی نویسندگان به نامی همچون جلال آل احمد به دیگر ملت‌ها است، بنابراین بررسی روش ترجمه سبک نوشتاری چنین نویسندگانی، مهم و راه‌گشاست. مثلاً نثر آل احمد تلگرافی، شلاقی و پر از عناصر فرهنگی است. او در اغلب داستان‌هایش از زبان محاوره‌ای سود جسته، که بدون شک برگردان آن را به زبان‌های دیگر دشوار و چالش برانگیز کرده‌است. بازآفرینی عناصر فرهنگی نیازمند آگاهی دقیق مترجم از نقش اجتماعی «فرهنگ-زبان» مبدأ و مقصد است. در این جستار، با بررسی ترجمه فرانسوی ژیلبر لازار از داستان گناه، انتقال اصطلاحات و عناصر فرهنگی از فارسی به فرانسه را بر اساس الگوی نیومارک و دسته‌بندی ایکسلا برجسته کرده‌ایم و توصیفی تحلیلی از آن ارائه داده‌ایم. با تبیین معادل‌های کارکردی - فرهنگی، در اصل، راهکاری برای مترجمان و محققان فراهم آورده‌ایم.

۱-۲. تبیین پژوهش:

لازم است یادآور شویم که در حوزه ترجمه‌شناسی، نظریه‌پردازانی چون برمن^۱، ونوتی^۲، شلایرماخر^۳، ریکور^۴ بر بازنمایی دیگری، بیگانه‌پذیری / خارجی‌سازی، تأکید می‌کنند و آن را راهبرد برتر می‌دانند. آن‌ها مترجم را از هرگونه «مقدس شماری زبان مادری» برحذر می‌دارند و معتقدند که باید فرهنگ دیگری را بدون هرگونه دخل و تصرف به خوانندگان زبان مقصد معرفی کند (جلیلی مرند، ۱۳۹۹، ص. ۱۰۹).

-
1. Berman
 2. Venuti
 3. Schleiermache
 4. Ricoeur

از طرفی، زبان ابزاری بسیار مهم برای به حرکت درآوردن فرهنگ در هر جامعه است و از آنجا که فرهنگ جوامع انسانی بسیار گوناگون و در حال تغییر مداوم هستند، ترجمه «زبان-فرهنگ» اصولاً کار ساده‌ای نیست. چون ترجمه زمینه تلاقی و آشنایی با فرهنگ بیگانه را فراهم می‌کند، به همین دلیل «حفظ طعم بیگانه اثر اصلی، در ترجمه اهمیت بیشتری یافته است؛ چرا که این کار بر غنای ادبیات و فرهنگ بومی نیز کمک می‌کند.» (نصیری، ۱۳۹۰، ص. ۸۱)^۱ به عبارتی، ورود برخی عناصر فرهنگی بیگانه به زبان مقصد، گاه می‌تواند، برای مدتی، زمینه تحول و رشد ادبیات زبان مقصد را فراهم آورد. این انگیزش بیگانه تا جایی که پایه‌های دستوری و فرهنگی را زیر و رو نکرده‌است، چالشی برای حرکت به جلو در ادبیات مقصد است. بنابراین ترجمه صورت‌گرا که تکیه‌اش به انتقال «زبان - فرهنگ» مبدأ، با صورت و ساختار هرچند بیگانه‌اش، به «جامعه زبان - فرهنگ» مقصد باشد، شاید تا مرز ایجاد تحول و تحرک در «جامعه زبان - فرهنگ» مقصد پیش برود، ولی این امکان هم وجود دارد که پذیرشی کند و یا حتی به حاشیه رفتن را در نزد مخاطب تجربه کند.

ذکر این نکته نیز مهم است که مطالعات ترجمه، اخیراً از رویکردی صرفاً صورت‌گرا فاصله گرفته و به سمت مسائل کلی‌تری چون مطالعات فرهنگی تغییر جهت داده‌است (معمدی، ۱۳۹۷، ص. ۲۱۸). از نظر بسنت^۲ و لوفور^۳ «آنچه اکنون مد نظر مطالعه قرار می‌گیرد، متن در بستر شبکه نشانه‌های فرهنگی مبدأ و مقصد است» (لوفور و بسنت، ۱۳۹۲، ص. ۴۴). وی معتقد

۱. رجوع شود به مقاله نظری و حبیب‌آبادی، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۰.

2. Bassnett

3. André Lefèvre

است که ترجمه عناصر و مفاهیم فرهنگی دشوارترین بخش‌های ترجمه‌اند، به‌ویژه که هر متن در زمینه فرهنگی خاص خود شکل گرفته است. این زمینه فرهنگی در کنار برخی از پیش‌انگاره‌های اجتماعی، سیاسی و تاریخی جامعه، «شبکه‌های مفهومی» منحصر به فردی را می‌سازند که متون بر اساس مجموعه‌ای از آن‌ها پایه‌گذاری می‌شوند (همان). انتقال این شبکه مفاهیم، که در بافتار اجتماعی خاص خود پدید آمده‌است، به بافتار اجتماعی دیگر، که در آن، مفاهیم در چینی متفاوت، شبکه خاص خود را دارند، پژوهش زبان‌شناختی و جامعه‌شناختی عمیقی را می‌طلبد. انتقال صورت‌گرایانه این شبکه غالباً به فهم غلط و دریافت ناقص معنا در نزد مخاطب جامعه مقصد منجر می‌شود. بنابراین معادل‌یابی و معادل‌سازی «کارکردی-فرهنگی» برای مفاهیم فرهنگی خاص از ملزومات انتقال شایسته و متناسب معناست. البته انتقال همه لایه‌های معنایی عناصر فرهنگی و اجتماعی به زبان مقصد ممکن نیست، لذا نزدیک‌ترین معادل کارکردی را باید پذیرفت.

۳-۱. پرسش‌های پژوهش

در پژوهش حاضر با بررسی میزان ترجمه‌پذیری عناصر فرهنگی موجود در داستان گناه جلال آل احمد، سعی می‌کنیم به ویژه به سؤالات زیر پاسخ دهیم:

- ژیلبر لازار در ترجمه کتاب گناه آل احمد به زبان فرانسه، چه راهکارهایی برای انتقال اصطلاحات و عبارات فرهنگی فارسی به کار گرفته است؟ او تا چه اندازه در انتقال بار فرهنگی این عبارات فارسی به فرانسه موفق بوده است؟
- چگونه نظرات نیومارک و دسته‌بندی ایکسلا به دریافت بهتری از جایگاه عناصر فرهنگی داستان گناه آل احمد در ترجمه فرانسوی آن کمک می‌نمایند؟

۲. پیشینه پژوهش

درباره انتقال واژه‌ها و اصطلاحات فرهنگی از «جامعه-زبان» مبدأ به «جامعه-زبان» مقصد، تا کنون پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته که در این جا صرفاً به چند نمونه‌ی اخیر آن اشاره می‌کنیم: در زمینه انتقال بار فرهنگی واژگان از زبان مبدأ به زبان مقصد، مهدوی و آیتی با استفاده از الگوی بیکر و نیومارک، راهبردهایی برای انتقال عناصر فرهنگی معرفی کرده‌اند و به میزان موفقیت مترجم پرداخته‌اند. (مهدوی و آیتی، ۱۳۹۸)

در جستجوی معادل برای عناصر فرهنگی موجود در برخی آثار فولکلور، آل بویه لنگرودی و پاشازانوس با تقسیم بندی مقوله‌های فرهنگی، عنوان کرده‌اند که همگونی فرهنگی مبدأ و مقصد، مترجم را به سمت استفاده از معادل‌های توصیفی می‌کشاند. حال آن‌که در برگردان عناصر معنوی، مترجم علاوه بر معادل‌های فرهنگی، کارکردی و توصیفی، از شیوه تلفیق نیز بهره می‌برد. (آل بویه لنگرودی و پاشازانوس، ۱۳۹۸)

همچنین اطهاری نیک عزم و بلوکات نیز با بکارگیری نظریه معنی‌شناسی زاویه دید، به نقش زاویه دید در ترجمه عناصر فرهنگی توجه کرده‌اند و دریافته‌اند که انتقال زاویه دید نویسنده و معنای ضمنی و نیز جایگاه فرهنگی واژگان در ترجمه مورد بررسی‌شان بخوبی اتفاق نیفتاده است، زیرا توضیحات میان متنی به زاویه دید نویسنده متن مبدأ آسیب رسانده است. (اطهاری و بلوکات، ۱۳۹۲)

باید خاطر نشان کرد که اکثر پژوهش‌ها، بیشتر به توصیف نوع رویکرد مترجمان در انتقال عناصر فرهنگی روی آورده‌اند و دسته‌بندی روش‌ها و بررسی درجه تقریب فرهنگی به عنوان

راهکار مترجم، به طور خاص دیده نشده است. ما در این تحقیق سعی کرده‌ایم تا حدی این بخش را جبران نماییم. از آنجا که درجه تقریب فرهنگی نقش مهمی در میزان انتقال عناصر فرهنگی دارد و چون ترجمه فرانسوی لازار از داستان گناه جلال آل احمد نهایتاً شیوه موفق از ترجمه بوده که مورد استقبال خوانندگان قرار گرفته است، در این مقاله به بررسی تقریب فرهنگی وی با معیارهای نیومارک و ایکسلا پرداخته‌ایم. این نوع تحلیل تقریب فرهنگی در ترجمه، و معرفی راهکارهای نظری مکمل هم از دو اندیشمند حوزه ترجمه فرهنگی (نیومارک و ایکسلا)، پژوهشی نوین است.

۳. روش پژوهش

روش این پژوهش اساساً تحلیلی مقایسه‌ای از راهکارهای نظری نظریه پردازانی همچون نیومارک و ایکسلا از حوزه مطالعات ترجمه فرهنگی و نیز راهکارعینی مترجمی زبان‌شناس همچون لازار است. لذا، نخست، در قسمت چهارچوب پژوهش، پس از نگاه اجمالی به آراء نیومارک و ایکسلا در حوزه ترجمه عناصر فرهنگی، به معرفی رده‌بندی‌های آنها می‌پردازیم، سپس بعد از معرفی کوتاه ویژگی‌های سبکی کتاب گناه و ترجمه لازار از آن، در بخش تحلیل داده‌ها، ترجمه جملاتی از کتاب را برجسته می‌نماییم، تا با بررسی آنها، روش کار مترجم در انتقال عناصر خاص فرهنگی، نظیر اصطلاحات و «فرهنگ-واژه‌ها»، «زبان-فرهنگ»، ونحوه تقریب فرهنگی وی را در آوریم و در نموداری آن را مدل‌سازی کنیم.

۳-۱- چهارچوب نظری پژوهش

نیومارک (۱۹۸۸) فرهنگ را شیوه زندگی و مظاهر آن در نظر می‌گیرد که خاص یک گروه اجتماعی است و آن را «کار ابزار» می‌داند. به نظر وی زبان فرهنگی از زبان فردی و نیز از

مفاهیم جهان‌شمول متمایز است. از دیدگاه نیومارک «ترجمه، همان اندازه که برای انتقال دانش و ایجاد تفاهم بین گروه‌ها و ملت‌ها به کار می‌رود، در انتقال فرهنگ‌ها نیز مؤثر است.» (نیومارک، ۱۹۹۵، ص. ۱۰)

در مورد سختی و اهمیت انتقال فرهنگ در ترجمه، نایدا^۱ معتقد است «مقوله فرهنگ در ترجمه، بسیار جدی است و در حقیقت اختلاف فرهنگی، کار را برای ترجمه بسیار سخت‌تر می‌کند تا اختلافات ساختاری زبان» (نایدا، ۱۹۶۴، ص. ۱۳۰). ایکسلا نیز معتقد است که «اولین مشکلی که در مطالعه جنبه‌های فرهنگی ترجمه با آن روبرو هستیم، ابداع ابزاری مناسب برای تحلیل این جنبه‌ها، و ارائه تصویری درست از «موارد خاص فرهنگی»^۲ زبان است که به ما کمک کند تا سازه‌های کاملاً فرهنگی زبان را از موارد زبانی محض و یا کارکردی، تشخیص دهیم. مشکل اصلی این است که در یک زبان همه چیز تولید فرهنگی است، و این اصالت فرهنگی نخست از خود ذات زبان سرچشمه می‌گیرد. (ایکسلا، ۱۹۹۶، صص. ۵۶-۵۷)

در راستای ابداع نوعی ابزار تجزیه و تحلیل جنبه‌های فرهنگی زبان، نیومارک (۱۳۸۶، صص. ۱۲۳-۱۳۴) با بهره‌گیری از آراء نایدا، عناصر فرهنگی را نخست به دسته‌های زیر تقسیم‌بندی می‌نماید:

۱. عناصر بوم‌شناختی: شامل گیاهان و نوع پوشش گیاهی یک سرزمین، جانوران و نوع گونه‌های غالب جانوری، منظر جغرافیایی: دشت‌ها، کوه‌ها،...
۲. عناصر مادی فرهنگ: شامل نوع غذا، پوشاک، مسکن و سازه‌های شهری.

1. Nida

2. Culture-Specific Item (CSI)

۳. عناصر اجتماعی فرهنگ: کار، فراغت و تفریح، روابط اجتماعی ...
۴. عناصر فرهنگی خاص در ارتباط با نهادها، آداب و رسوم: شامل نهادهای سیاسی و اداری، مذهبی و هنری
۵. عناصر فرهنگی خاص در ارتباط با عادات فردی - اجتماعی: شامل حرکات گفتاری و زبان بدن (مهدوی، ۱۳۹۸، ص. ۱۶۴).

از طرفی، ایکسلا نیز راهکارهایی برای ترجمه ارائه می‌دهد و دو دسته اصلی ترجمه را طبقه‌بندی می‌نماید: ۱- بیگانه‌پذیری یا خارجی سازی که شامل راهکارهای تکرار، تطبیق املائی، ترجمه درون‌متنی و برون‌متنی، و ترجمه زبانی (غیرفرهنگی) است، ۲- بومی‌سازی که شامل راهکارهایی مانند یافتن مترادف، عمومی‌سازی محدود، عمومی‌سازی مطلق، طبیعی‌سازی، حذف و خلق خودمختار است.

لازم به ذکر است که مدل دیگری از رده‌بندی عناصر فرهنگی زبان، توسط والاهوف^۱ و فلورین^۲ ارائه شده است که عناصر فرهنگی را در دسته‌های مختلف جغرافیایی، مردم‌شناختی، سیاسی و جامعه‌شناختی طبقه‌بندی کرده‌اند (Florin, ۱۹۹۳). همچنین ایکسلا عناصر فرهنگی را در دو دسته اسامی خاص و اصطلاحات عام قرار می‌دهد. طبق نظر وی عناصر فرهنگی «عناصری از متن‌اند که به مفاهیم خاصی در فرهنگ خارجی (تاریخ، هنر، ادبیات) متصل‌اند که ممکن است برای خوانندگان متن مقصد (TT) ناشناخته باشند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که عناصر فرهنگی زبان منجر به ایجاد شکاف فرهنگی میان زبان مبدأ (SL) و زبان مقصد (TL) می‌شوند (ایکسلا، ۱۹۹۶، ۱۴).

¹ Vlahov

² Florin

جدول ۱. دسته‌بندی عناصر فرهنگی زبان از نظر نیومارک، ایکسلا و الاهوف/فلورین

دسته‌بندی عناصر فرهنگی		
دسته‌بندی الاهوف / فلورین	دسته‌بندی ایکسلا	دسته‌بندی نیومارک
جغرافیایی	اسامی خاص	بوم‌شناختی
مردم‌شناختی		مادی
سیاسی	اصطلاحات عام	اجتماعی
جامعه‌شناختی		مربوط به نهادها، عادات، سنن
		مربوط به رفتارها، پوشش‌ها (لباس‌ها)

به عقیده نیومارک برای ترجمه عناصر فرهنگی از یک زبان به زبان دیگر، این شیوه‌ها قابل ارائه‌اند: انتقال، معادل توصیفی، بومی‌سازی، معادل فرهنگی، معادل کارکردی، مترادف، گرت‌برداری، جایگزینی، دگرگون‌سازی، ترجمه قابل قبول، ترجمه موقت، جبران، کاهش و بسط محتوا اشاره کرد. (نیومارک، ۱۹۹۶، صص. ۱۱۷-۱۰۲) می‌توان راهکارهای نیومارک و ایکسلا را در جدول مقایسه‌ای زیر برای دریافت بهتر جایگاه انواع ترجمه‌های فرهنگی ارائه داد:

جدول ۲. راهکارهای ترجمه فرهنگی از دیدگاه نیومارک و ایکسلا

راهکارهای ترجمه عناصر فرهنگی (راهبردهای‌های ترجمه فرهنگی)		
دیدگاه نیومارک	دیدگاه ایکسلا	
انتقال	تکرار	(۱) بیگانه‌پذیری/خارجی‌سازی
معادل توصیفی	تطبیق املائی	
بومی‌سازی	ترجمه درون‌متنی	
معادل فرهنگی	ترجمه برون‌متنی	
معادل کارکردی	ترجمه زبانی-غیر فرهنگی	

مترادف		
گرتهدرداری	مترادف	۲) بومی سازی
جایگزینی	عمومی سازی محدود	
دگرگون سازی	عمومی سازی مطلق	
ترجمه قابل قبول	طبیعی سازی	
ترجمه موقت	حذف	
کاهش و بسط محتوا	خلق خودمختار	

۳-۲- معرفی پیکره پژوهش (داستان گناه آل احمد و ترجمه لازار)

۳-۲-۱- پیکره فارسی

داستان «گناه» آل احمد خصوصی ترین و پنهانی ترین احساسات فردی را بی ملاحظه، بیان می کند. در این داستان با وسوسه های درونی دختر نوجوانی آشنا می شویم که گاه خطوط قرمزی را رد می کند. نویسنده زوایایی از کنج تنهایی او را به تصویر می کشد تا خواننده به کشف آن چه او گناه می انگاشته برسد که البته به واقع گناه نبوده است. برخی جزئیات که کمی سرسری می نمایند برای توضیح ارزش ها و قراردادهای محیطی که دختر نوجوان در آن است و نیز بعنوان شناسنامه داستان، توسط راوی داده شده اند. از نظر سبک، داستان گناه (۱۳۲۷) در دوره ای از کارنامه نویسندگی آل احمد است که بیشتر در آن تعبیرها و مثل ها به همان صورت رایج زیان گفتاری، در نوشتار می آیند. نثر او هر چند کهنه، ولی محکم و موج است. او در بطن زندگی، حقایق طنز آمیزی را به نمایش می گذارد که به نوعی، تمسخر زندگی نیز هست. باید یادآور شد که «در زبان فارسی، گفتار و نوشتار دو شکل اساساً متفاوت بیان اند و تا اوایل قرن نوزدهم، فارسی محاوره ای هنوز به قلمرو زبان مکتوب، که بسیار مغلق و آراسته به زیورهای کلامی و فرمول های کلیشه ای بود، وارد

نشده بود» (رحیمیه، ۱۳۹۲). بنابراین به مرور در قرن بیستم، تحولی در سیستم نوشتار ادبی فارسی روی داد که سبک آل احمد در از جمله شواهد آن است. البته بسیاری از منتقدان هنوز پای بند این اعتقاد هستند که نثر نوین فارسی از بطن الگوهای اروپایی پدید آمده است (همان).

۳-۲-۲- پیکره فرانسوی

ژیلبر لازار زبان‌شناس، ایران‌شناس، فرهنگ‌نویس و مترجم بزرگ فرانسوی، زندگی خود را وقف زبان فارسی و دستور زبان آن نمود. از این جهت، شناخت و معرفی شیوه ترجمه وی از متون فارسی و انتقال مفاهیم و عناصر فرهنگی این زبان، به خصوص از متون فارسی مدرن، نظیر آثار آل احمد، برای نویسندگان مقاله مهم بوده است. بنابراین در مورد سبک و راهکار او در ترجمه داستان گناه، و توجه وی به وجوه فرهنگی نهفته در زبان، به تفصیل در بخش بعدی صحبت خواهیم کرد.

۴. بحث و نتایج پژوهش

در اینجا عبارات و جملاتی از ترجمه فرانسوی ژیلبر لازار از داستان گناه آل احمد را برگزیده‌ایم که در آن‌ها عناصر فرهنگی حضور پررنگی داشته‌اند و لزوم استفاده از «معادل کارکردی-فرهنگی» برای انتقال درست فرهنگ ایرانی به جامعه فرانسوی در آن‌ها برجسته است. همچنین، لایه‌های معنایی نهفته در «فرهنگ-واژه»ها مورد بحث قرار گرفته‌اند تا درجات تقریب فرهنگی در فرایند ترجمه فرانسوی مشخص گردد. هم‌زمان از نظر دسته‌بندی‌های نیومارکی و ایکسلایی نیز جایگاه این معادل‌ها را بررسی کرده‌ایم.

۴-۱- عناصر مادی فرهنگ

۴-۱-۱- پوشاک

Le bruit de ses sandales dans la rue d'abord, puis sur les marches de l'entrée, enfin le claquement de ses talons sur le sol du vestibulaire suffisaient à m'avertir de sa venue. (p. 271)

صدای نعلین که توی کوچه روی پله دالان گذاشته می‌شد، و بعد ترق و توروق پاشنه آن که روی کف دالان می‌خورد، مرا متوجه می‌کرد که پدرم آمده‌است. (ص. ۲۳۱)

نعلین، نوعی کفش تخت که پشت پا را نمی‌پوشاند، در این داستان متعلق به پدر راوی است که فردی روحانی است. مترجم از معادل «sandales»، «صندل»، استفاده کرده‌است که در ذهن مخاطب فرانسوی گونه‌ای از کفش با زیره چوبی است، گاه با بندهایی ساده که به دور پا می‌بندند. بر اساس آراء نیومارک این انتخاب واژه نوعی «معادل کارکردی - فرهنگی» به حساب می‌آید. نعلین، در واقع، طبق دسته بندی نیومارک، از مصنوعات فرهنگی است. می‌دانیم این نوع کفش در جامعه ایرانی شکل و کاربرد خاص خود را دارد؛ مشابه این نوع کاربرد را گاه «صندل» در جامعه فرانسوی دارد. هر چند که نعلین در قدیم کاربرد عمومی‌تری در نزد قشر زیادی از جامعه ایرانی داشته است، ولی امروزه بیشترین کاربرد را نزد طلاب دارد. بنابراین، «معادل کارکردی - فرهنگی» «صندل»، که در فرانسه برای عموم اقشار جامعه است، همگون‌سازی و تقریب فرهنگی را، صرفاً از نظر جنس و سادگی این نوع کفش، انجام داده است، ولی اختصاص داشتن به قشر خاص، یعنی طلاب، را انتقال نداده‌است.

از این رو، از نظر دسته‌بندی ایکسلا، در فرآیند ترجمه لازار، واژه فارسی «نعلین» حین گذار به زبان فرانسه (زبان مقصد)، با راهکار «طبیعی‌سازی»^۱، بومی‌سازی فرهنگی (Domestication) شده است.

۲-۱-۴- مسکن و سازه‌های شهری

من نمی‌دانستم زمستان‌ها چه می‌کند که *Je ne sais pas ce qu'il faisait l'hiver quand nous avons le rowzeh dans la grande salle.* (p. 50) روضه را توی پنجدری می‌خواندیم.

«پنجدری» یکی از سازه‌ها و شکل‌های معماری سنتی ایرانی است که به اتاقی بزرگ، تالار اصلی خانه، با پنج پنجره به هم‌پیوسته، اشاره دارد که بیشتر وقت‌ها رو به ایوان اصلی باز می‌شود. معادل «la grande salle»، «سالن بزرگ»، تا حدی بومی‌سازی این واژه را برای جامعه مخاطب فرانسوی انجام داده است تا تصویری مشابه اتاق بزرگ و تالار اصلی خانه به ذهن تداعی شود.

از زاویه دید دسته‌بندی ایکسلا، ارائه معادل کارکردی فوق توسط لازار، طبق راهکار «عمومی‌سازی محدود» (Strategy of Limited Universalization)، بوده است. ولی از آن‌جا که «سالن بزرگ» شکل خاصی را، آن‌گونه که «پنجدری» دارد، نمی‌رساند، لذا تنها در نقش «معادل کارکردی» عمل می‌کند و «معادل فرهنگی» رسایی برای واژه «پنجدری» ایرانی نیست. بنابراین لازم است مترجم در پاورقی توضیحاتی درباره شکل خاص و جایگاه این «سالن بزرگ» بدهد. دادن این نوع توضیحات، از دیدگاه ایکسلا، راهکار «ترجمه برون‌متنی» (Strategy of Extratextual Gloss) است که در چنین شرایطی به فهم دقیق‌تر اصطلاح فرهنگی کمک می‌کند.

در واقع راهکار نخست، یعنی «عمومی‌سازی محدود» که در دسته اول رده‌بندی ایکسلا، یعنی «بیگانه‌پذیری / خارجی‌سازی» قرار دارد، درجه نسبتاً ضعیفی از تقریب فرهنگی را در اختیار خواننده می‌گذارد، به همین خاطر، نیاز به راهکار کمکی دیگر، یعنی ترجمه «برون‌متنی» (دادن توضیحات در پاورقی) احساس می‌شود، که آن نیز جزو همان دسته راهکارهای «بیگانه‌پذیری و یا خارجی‌سازی» است. می‌توان چنین نتیجه گرفت که ترجمه سبک نوشتاری آل احمد، تقریب

درجات تقریب فرهنگی در ترجمه فرانسوی لازار از داستان گناه آل احمد ۸۱

فرهنگی بالایی را می‌طلبد. چنانچه از راهکارهای ترجمه فرهنگی (بومی سازی) استفاده نشود و روش کار به سمت و سوی بیگانه‌پذیری و یا خارجی‌سازی باشد، برای نتیجه بهتر باید چند راهکار موازی از رده‌بندی ایکسلا را نیز به کار گرفت.

۲-۴. عناصر اجتماعی فرهنگ

من تا پشت‌بام را آب و جارو *J'ai arrosé et balayé toute la maison, y compris la terrasse.* کردم.

عبارت «آب و جارو کردن» دارای معنایی فرهنگی است که اشاره به عناصر اجتماعی فرهنگ (عادات و سنن) ایرانی دارد: در ناخودآگاه جمعی ایرانیان، آب همراه آئینه نمادی از روشنی و خوش‌یمنی است. مخصوصاً آب و جارو کردن صبح در بن فرهنگ پارسی مایه برکت و گشایش روزی و سلامتی برای اهل خانه دانسته شده‌است. لازار در انتقال این عبارت به «فرهنگ-زبان» فرانسوی، از جمله «*J'ai arrosé et balayé*» استفاده کرده که عیناً ترجمه زبان‌شناختی جمله مبدأ به زبان مقصد است.

در مدل نظری ایکسلا این نوع معادل‌سازی به سادگی راهکار ترجمه زبانی-غیرفرهنگی (Strategy of Linguistic Translation) تبیین می‌شود. به عبارت دیگر، این راهکار نیز درجه تقریب فرهنگی بالایی را دنبال نمی‌کند و اصولاً در ردیف راهکارهای دسته اول «بیگانه‌پذیری/خارجی‌سازی» است.

۳-۴. عناصر فرهنگی در ارتباط با نهادها، آداب و رسوم

آبدارباشی شب‌های روزه هم آن طرف، توی تاریکی، *L'homme qui s'occupait du thé, les soirs de rowzeh, se tenait de l'autre cote, dans l'ombre, derrière les pots de fleurs, et récitait ses prières.* پشت گلدان‌ها ایستاده بود و نماز می‌خواند و من فقط صدایش را می‌شنیدم که نمازش را بلند بلند می‌خواند.

واژه «آبدارباشی» اشاره به یک حرفه و مهارت دارد که در دسته‌بندی نیومارکی جزو عناصر فرهنگی در ارتباط با نهادهای مذهبی و آداب و رسوم قرار می‌گیرد. لازار، از آنجایی که مترادف زبانی مشخصی برای این رسم و سنت مذهبی جامعه ایرانی در «زبان - فرهنگ» فرانسوی وجود ندارد، از معادل زبان‌شناختی «l'homme qui s'occupait du thé» استفاده کرده، که طبق شیوه‌های پیشنهادی نیومارک، معادل توصیفی محسوب می‌شود.

از دیدگاه ایکسلا هم این نوع معادل‌سازی لازار، مجدداً راهکار ترجمه زبانی-غیرفرهنگی (Strategy of Linguistic Translation) است. به عبارت دیگر، لازار در ترجمه خود همچنان با درجه متوسطی از تقریب فرهنگی حرکت کرده‌است.

۱. شب روضه هفتگی‌مان بود. *C'était le soir de notre rowzeh hebdomadaire. (P. 40)*
۲. باز هم آن پیرمردی که وقتی گریه می‌کرد آدم فکر می‌کرد می‌خندد، آمد و سر جای همیشگی‌اش، پای صندلی روضه‌خوان نشست. (ص. ۳۴)

در مثال اول، مترجم از روش انتقال مستقیم واژه (وام‌گیری) استفاده کرده و واژه «روضه» را عیناً به زبان فرانسه وارد نموده است. این نوع انتقال معمولاً در جهت آشناکردن جامعه مقصد با واژه‌ها و مفاهیم فرهنگی جامعه مبدأ است که البته معادل کارکردی و یا معنایی جامع در جامعه مقصد برایشان یافت نمی‌گردد؛ این نوع واژه‌ها را اصطلاحاً «*culturème*»، «واحد‌های فرهنگی»، می‌نامیم که در خود خزانه‌ای (ماتریسی) از خاطرات و الگوهای فرهنگی یک قوم و جامعه را نگه‌داشته‌اند و در حکم ناخودآگاه فرهنگی آن جامعه هستند. در واقع، «واحد‌های فرهنگی»، مانند

درجات تقریب فرهنگی در ترجمه فرانسوی لازار از داستان گناه آل احمد ۸۳

«روضه»، نشانگان فرهنگی‌اند که تمامیتی از تاریخ یک ملت پشت آن‌ها ثبت شده‌است. بنابراین برای انتقال این واژگان، از آن‌جا که نمی‌توان تمام آن تاریخ را در جامعه مقصد ایجاد کرد، لازم است که این «واحد‌های فرهنگی» را دست نخورده با شیوه انتقال مستقیم به «زبان-فرهنگ دیگری» وام دهیم.

این شیوه ترجمه در رده‌بندی ایکسلا تحت راهکار ترجمه املایی، (Orthographic Adaptation (transcription) آمده است، که در ردیف راهکارهای بیگانه‌پذیری/خارجی سازی است. اینچنین تمام ذهنیت خواننده برای دریافت یک کلیت فرهنگی فراخوانده شده‌است.

در مثال دوم، برای واژه «روضه‌خوان»، لازار معادل «récitant» را به کار برده است که در زبان فرانسه بیشتر به معنای «دکلمه‌خوان» است. این «معادل عام» فرانسوی برای «مفهوم خاص» فرهنگی «روضه‌خوان»، تقریب فرهنگی تأثیرگذاری نیست. در سیستم نظری ایکسلا این نوع ترجمه، مجدداً «عمومی سازی محدود» (Strategy of Limited Universalization)، به حساب می‌آید.

از طرفی می‌توان گفت که مترجم که برای تقریب این واژه فارسی (روضه‌خوان) به ذهن فرانسوی از روش دگرگون‌سازی کلمه استفاده کرده‌است. لازم به ذکر است که این شیوه را وینه و داربلنه^۱ نیز برای اشاره به تغییر در دیدگاه و غالباً به منظور تغییر در ذهنیت خواننده، مطرح کرده‌اند. این فرآیند معمولاً به تغییر در معنای مد نظر زبان مبدأ می‌انجامد.

۴-۴- عناصر فرهنگی در ارتباط با عادات فردی-اجتماعی

3. *Ma mère qui nous grondait en se mordant le dos de la main, ne manquait jamais de nous faire réciter l'acte de contrition.* مادرم ما را دعوا می‌کرد و پشت دستش را گاز می‌گرفت و ما را وا میداشت استغفار کنیم. (ص. ۲۱۲)

در مثال بالا، اصطلاح «پشت دست خود را گاز گرفتن» که بیشتر در فرهنگ ایرانی، واکنشی ناخودآگاهانه در برابر شنیدن حرف زشتی است، توسط مترجم باز با شیوه گرفته‌برداری (ترجمهٔ واژه به واژه) به «زبان-فرهنگ فرانسوی» ترجمه شده است. این کار، چه در نگاه نیومارک، چه در نظر ایکسلا، نوعی «بیگانه‌پذیری» و قبول عناصر فرهنگی دیگری است که در عادات یک ملت (جامعهٔ مبدأ) جای داشته‌اند و شناخت آن عادات برای جامعه مقصد لازم است. بنابراین، در این جا صحبت از تقریب فرهنگی نیست بلکه بیشتر هدف توصیف فرهنگ دیگری است.

۴-۵- کاربرد یک اصطلاح با معنای مشابه ولی صورت متفاوت

1. *Généralement, après un instant d'hésitation, je me reprenais vite; je courais jusqu'à nos lits et me laissais tomber sur le mien.* کمی دودل می‌ماندم و بعد خود را جمع جور می‌کردم و به طرف رخت‌خواب‌های خودمان فرار می‌کردم و روی دشک خودم می‌افتادم. (ص. ۲۱۲)

2. *La honte qui m'anéantissait...* خجالتی که مرا آب می‌کرد... (ص. ۲۱۳)

عبارت «از خجالت آب شدن» ضرب المثلی فارسی است که اشاره به یک موقعیت هیجانی، فیزیکی و روحی دارد. لازار برای ترجمهٔ آن از جملهٔ «La honte qui m'anéantissait» به معنی «خجالت مرا محو و نابود می‌کرد» استفاده کرده است که در سیستم رده بندی ایکسلا نوعی ترجمه زبانی-غیرفرهنگی (Linguistic (non-cultural) translation) حساب می‌شود و تقریب فرهنگی آن اندک است.

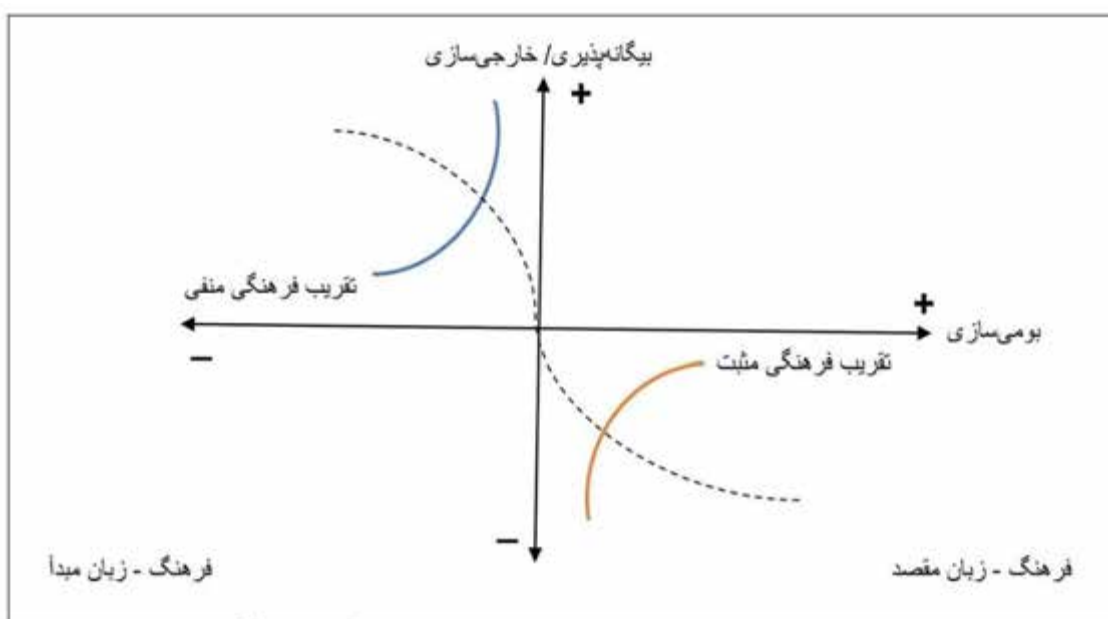
۵- نتیجه گیری و جمع بندی

همان طور که تحلیل های بالا نشان دادند، شبکه مفاهیم فرهنگی، هنگام گذر به «زبان- فرهنگ» جامعه دیگری (جامعه مقصد)، یا در موازنه های بیگانه پذیری وارد می شوند، یا به موازنه های خودی سازی (بومی کردن) درمی آیند. آراء نیومارک و رده بندی ترجمه شناختی ایکسلا، به نوعی با این دو سمت و سوی ترجمه فرهنگی درگیرند. با توجه به موقعیت متن و اهداف مترجم، انواع روش های نیومارک یعنی انتقال، معادل توصیفی، بومی کردن، معادل فرهنگی، معادل کارکردی، گرده برداری، جایگزینی، دگرگون سازی وغیره، قابل انجام اند. همچنین سیاست ها و راهکارهای ترجمه، ارائه شده و رده بندی شده توسط ایکسلا، به خوبی جایگاه و سمت و سوی معادل های زبانی - فرهنگی را تبیین و تعیین می کنند. او دو دسته اصلی ترجمه را مشخص می نماید که شامل راهکارهایی برای بیگانه پذیری / خارجی سازی (تکرار، تطبیق املائی، ترجمه درون متنی و برون متنی، و ترجمه زبانی-غیر فرهنگی) و راهکارهایی برای بومی سازی (یافتن مترادف عمومی سازی محدود عمومی سازی مطلق، طبیعی سازی، حذف و خلق خود مختار) می شوند.

با استفاده از دو دیدگاه طبقه بندی نیومارک و ایکسلا دریافتیم که لازار در ترجمه زبان محاوره ای آل احمد، برای جامعه فرانسوی، به دو سمت «بیگانه پذیری» و «بومی سازی» و «تقریب به فرهنگ خودی» حرکت کرده است. بنابراین، ترجمه او از کتاب گناه آل احمد، متنی را حاصل آورده که بخش هایی از آن، عادات و رسوم و «واحدهای فرهنگی» ایرانی را به جامعه فرانسوی وام داده است، یعنی درجه «تقریب فرهنگی» آن به فرهنگ فرانسوی ضعیف است هر چند ضریب بیگانه پذیری بالایی را نشان می دهد. البته او در قسمت مهمی از ترجمه اش، با درجه بالایی از «تقریب فرهنگی»، فرهنگ ایرانی را در فرهنگ فرانسوی به نوعی شبیه سازی کرده است. می توان گفت که لازار با بومی سازی برخی سنت ها و عناصر فرهنگی ایرانی برای «جامعه - فرهنگ»

فرانسه، هم‌خویشی دو فرهنگ ایرانی-فرانسوی را مد نظر گرفته و هم‌زمان به اهمیت همپوشانی شبکه مفاهیم فرهنگی این دو جامعه اندیشیده است. البته محدوده این تحقیق نیز در همین دریافت درست هم‌خویشی زبان-فرهنگ‌هاست.

در طرح زیر به عنوان جمع‌بندی، حرکت تقریب فرهنگی لازار را در ترجمه کتاب *گناه* جلال آل احمد، مدل‌سازی کرده‌ایم. منحنی نقطه‌چین نشان می‌دهد که با راهکارهای به سمت بیگانه‌پذیری بیشتر، تقریب فرهنگی کم‌رنگ‌تر (اصطلاحاً منفی) می‌گردد. همچنین با راهکارهای به سمت بومی‌سازی بیشتر، تقریب فرهنگی پر رنگ‌تر (اصطلاحاً مثبت) می‌شود.



طرح 1. مدل‌سازی حرکت تقریب فرهنگی لازار در ترجمه *گناه* اثر آل احمد (منحنی نقطه‌چین)

لازم به ذکر است که راهکار بومی‌سازی متوجه تاریخچه و پیچیدگی شبکه «فرهنگ-واژه‌ها»ی خودی و دیگری به طور هم‌زمان است و هدفش شناخت عینی‌تر آن‌هاست. مترجم با این راهکار جهت تقریب فرهنگی متن، به لایه‌های زیرین، ناگفته‌ها و اشارات آن توجه می‌کند و اینجاست که به «درک» بیشتری از متن می‌رسد. از طرف دیگر، راهکار بیگانه‌پذیری، به جهان هستی دیگری و زاویه دید او خود را نزدیک‌تر می‌کند تا حوزه شناختی وی را نیز دریابد و خود را

با آن خو دهد. این راهکار ترجمه، نگاه بازی به افق‌های شناختی انسان دارد. بنابراین در فرایند ترجمه «زبان - فرهنگ» داستان گناه آل احمد، لازار با گذر از مسیر بومی‌سازی، که دادن معادل‌های زبان‌شناختی آشنا در فرهنگ خودی است، به مسیر انتقال عناصر بیگانه، از سنت‌ها و رویکردهای فکری «دیگری»، به «زبان-فرهنگ» خودی حرکت می‌کند، و در نهایت با درجاتی از تقریب مفاهیم به «حوزه شناختی خودی»، و با ضرابی از پذیرش افق شناختی «دیگری»، ترجمه‌ای تولید می‌کند که مورد اقبال است.

منابع:

اطهاری نیک عزم، مرضیه، و بلوکات، مینا (۱۳۹۲). ترجمه عناصر فرهنگی از زبان فارسی به زبان فرانسه: تحلیل و بررسی ترجمه نشانه‌های فرهنگی در داستان مهمان مامان اثر هوشنگ مرادی کرمانی. *مطالعات زبان و ترجمه* ۱ (۴۶)، ۱۳۳-۱۴۹.

آل احمد، جلال (۱۳۸۷). گناه، در سه تار. تهران: مجید.

جلیلی‌موند، ناهید، و چاوشیان، شراره (۱۳۹۹). عناصر فرهنگی در ترجمه: رویکردهای مترجم. *پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، ۴ (۸)، ۱۰۹-۱۳۳.

ربیعی، مرضیه، و آل بویه لنگرودی، عبدالعلی (۱۳۹۸). معادل‌یابی مقوله‌های فولکلور ایرانی: بررسی موردی ترجمه عربی نون و القلم جلال آل احمد. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، (۲۰)، ۳۱-۵۸.

رحیمیه، نسرین (۱۳۹۲، ۱۲ مهر). رویکردی سیستماتیک به قصه نویسی در قالب اثر مدرن فارسی. *بخارا*، ۷۶. بازیابی شده در ۱۴۰۰/۱۰/۲۵، از <http://bukharamag.com/1389.11.3946.html>

لوفور، آندره، و بسنت، سوزان (۱۳۹۲). *چرخش فرهنگی در مطالعات ترجمه*. چاپ دوم. انتشارات قطره: تهران.

معمدی، لادن، و نوارچی، عاطفه (۱۳۹۷). ترجمه عناصر فرهنگی و نقش آن در استقلال متن: مطالعه موردی ترجمه کتاب کاش کسی جایی منتظرم باشد. *نقد زبان و ادبیات خارجی* ۲۱۸ (۱۵)، ۲۱-۲۳۶.

مهدوی، وجیهه سادات، و آیتی، اکرم (۱۳۹۸). ترجمه فرانسوی اصطلاحات و مقوله‌های فرهنگی عادت

می‌کنیم زویا پیرزاد براساس دیدگاه مونا بیکر و پیتر نیومارک. پژوهش‌های زبان و ترجمه
فرائسه (۲)، ۱۵۷-۱۸۰.

نظری، علیرضا، و جلالی حبیب آبادی، لایلا (۱۳۹۷). تحلیل معادل‌گزینی عناصر فرهنگی رمان بوف کور
در ترجمه عربی با تکیه بر رویکرد ایویر. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۸،
۱۰۰-۱۲۶.

نیومارک، پیتر (۱۳۸۶). دوره آموزش فنون ترجمه. تهران: رهنما.

Aixela, J. F. (1996). Culture-specific items in translation. In R. Alvarez, & M. Carmen-Africa Vidal (Eds.), *Translation, power, subversion* (pp. 52-78). Clevedon: Multilingual Matters.

Bassnett, S. (2007). Culture and translation. In P. Kuhlwezak, & K. Littau (Eds.), *A companion to translation studies* (pp. 13-23). Clevedon: Multilingual Matters.

Florin, S. (1993). Realia in translation. In P. Zlateva (Ed.), *Translation as social action: Russian and Bulgarian perspectives* (pp. 122-128). London: Routledge

Kahnamouipour, J. (2002). *Les différents genres de prose littéraire*. Téhéran: SAMT.

Munteanu, P. (2010). Les traducteurs roumains de l'œuvre de Victor Hugo et leur contribution littéraire et sociale au maintien du dialogue interculturel. In *Atelier de traduction*. No. 13, pp. 71-85.

Martinet, A. (1989). *Fonction et dynamique*. Paris: Armand Colin.

Nida, E. (1964). Principles of correspondence. In Venuti, L (ed), *The Translation Studies Reader*. London: Routledge.

Nida, E. (1964). *Toward a science of translating*. Leiden: E. J. Brill.

Newmark, P. (1996/1988). *A Textbook of translation*. New Jersey: Prentice Hall.

The Degrees of Cultural Approximation in Lazard's French Translation of Al-Ahmad's *Sin*¹

_____ Massumeh Ahmadi² & Sedigheh Sherkat Moghadam³

Abstract

Jalal Ale Ahmad's oral language offers many cultural and folkloric elements to the audience. These include proverbs, idioms, slangs and ironic sentences, metonymy, onomatopoeia, and more. Having used rhythmic, full of alliteration and figure of speech, he gives a particular rhythm to his writing. All of this has made the work of translators difficult. In this paper, by examining the French translation of Gilbert Lazard of *Sin*, a story of Jalal Ale Ahmad, we have highlighted his method of translating the cultural elements from Persian into French. According to Newmark's and Aixela's models of Culture-Specific Items translation, we have shown that Lazard's translation is based on the functional equivalents with different degrees of cultural approximation. The taxonomy of these equivalents built on the above patterns, provides useful translation information to translators and researchers.

Keywords: Ale Ahmad, Aixela, Cultural approximation, Newmark, Translation

1. This paper was received on 02.11.2021 and approved on 17.01.2022.

2. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of French Language and Literature, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Tehran, Iran; email: massumahm@atu.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of French Language and Literature, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran; email: moghadam@atu.ac.ir